یادداشت

توجه به پیوست رفتارهای مجرمانه

دکتر محمدباقر راستی*

سرقت، زورگیری و جرائم مرتبط با آن از قدیم‌الایام در همه جوامع بوده است که در جوامع مختلف شدت و ضعف دارد. ریشه‌یابی این معضل هم نیاز به بررسی‌های زیادی دارد و به همین دلیل برخی به اشتباه و بدون بررسی دقیق پس از روبه‌رو شدن با این حوادث شروع به انتقاد می‌کنند.

باید بدانیم که کنترل یک جامعه در هر کشوری کار سختی است و ما نمی‌توانیم صد در صد افراد جامعه را آنچنان که می‌خواهیم تربیت کنیم و آموزش دهیم، اما می‌شود این کنترل به صورت نسبی انجام شود و در نتیجه آن بزهکاری و جرم کاهش یابد.

بدیهی است که زورگیری‌های خشن و نزاع‌های خیابانی تأثیرات منفی روی افکار مردم دارد و پخش فیلم‌های آن در فضای مجازی هم تأثیر منفی و هم تأثیر مثبت برای شهروندان به همراه دارد. بی‌اعتمادی، تأثیر منفی آن است که باعث می‌شود جامعه از دیدگاه مردم ناامن، پر از شک و تردید و ناآرام باشد و جنبه مثبت آن هم به شهروندانی که بی‌احتیاط و کم دقت هستند گوشزد می‌کند که احتیاط بیشتری کنند و مراقب باشند تا در دام مجرمان گرفتار نشوند.

از سوی دیگر افرادی که در گروه بزهکاران و مجرمان قرار می‌گیرند گرفتار مشکلات زیادی هستند که ریشه آن در گذشته و حال قابل بررسی است. یکی مشکلات، خانواده‌ای است که در دوران کودکی و نوجوانی داشته‌اند و دومین مشکل آنها، مشکلات حال است و چنانچه این افراد را مورد بررسی قرار دهیم در می‌یابیم به جز دو سه درصدشان مشکلات زیادی را در خانواده داشتند که در دوران کودکی و نوجوانی طی کرده‌اند و فقط چند درصد از آنها در رفاه کامل هستند و از روی تفریح دست به سرقت یا زورگیری می‌زنند. این افراد چون زندگی سختی داشته‌اند و دچار مشکلات زیادی در درون خانواده بوده‌اند، ما نمی‌توانیم به صورت کامل و راحت گذشته آنها را درمان کنیم و فقط می‌توانیم با آموزش آنها را کمی از گذشته و حالشان دور کنیم تا آنها کمی از گذشته و حالشان فاصله بگیرند و گرنه به صورت کامل درمان نمی‌شوند و این هم بستگی به خود این افراد دارد که بخواهند و به مربیان اعتماد کنند.

خیلی از این افراد به خاطر مشکلات خیلی کوچکی مانند رفتاری یا اخلاقی کم کم وارد جرگه خلافکاران می‌شوند، مثلاً یک دانش‌آموز وقتی در مدرسه به راحتی به او می‌گویند پیش فعال است یا اضطراب و اختلال یادگیری دارد به راحتی از کلاس درس طرد می‌شود یا ترک تحصیل می‌کند یا اخراج می‌شود و از سوی خانواده‌اش هم مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد. چون اولویت اول برای خانواده‌ها درس و ادامه تحصیل است و رفتارهای فرزندشان در اولویت بعدی قرار دارد و می‌بینیم همان دانش‌آموز کم کم وارد گروه‌های بزهکار و بعد هم به یک مجرم تبدیل می‌شود و سرانجام هم از زندان سر در می‌آورد. زندان هم که قرار بود محلی برای تربیت و آموزش باشد به آموزش اعمال مجرمانه تبدیل شده است و این گونه یک فرد بزهکار به یک مجرم حرفه‌ای تبدیل می‌شود. حالا اگر ما همان ابتدا به نیازهای او توجه کنیم و به او کمک کنیم می‌توانیم از ورود این افراد به چرخه جرم جلوگیری کنیم و این هم نیاز دارد ما گذشته و حال آنها را درمان کنیم و البته درمان حال آنها مهمتر است، اما قوه قضائیه و پلیس هم در برخورد با مجرمان وظایفی دارند که بر اساس قانون باید عمل کنند. پلیس هنگام برخورد با یک مجرم برای دفاع از جان و مال و ناموس شهروندان، جان خودش هم در خطر است و از طرفی هم همه انتظار دارند، پلیس طوری برخورد کند که مجرمان هم آسیب و صدمه‌ای نبینند و پس پلیس علاوه بر اینکه باید از جان و مال و ناموس دیگران دفاع کند، باید مراقب جان خود و مجرم هم باشد و ما در برخورد پلیس با این افراد شاهد بودیم که همیشه تعداد زیادی از مأموران پلیس جان خود را از دست می‌دهند. ما نباید توقع داشته باشیم مأمور پلیس در برخورد با مجرمان خطرناک که برای فرار از دست پلیس جان افراد دیگر را هم به خطر می‌اندازند، محترمانه و با مهربانی برخورد کنند و لازم است قانون بیشتر از پلیس حمایت کند و گرنه مأمور پلیس هنگام برخورد با مجرمان به شک و تردید می‌افتد، چون نگران داستان و مشکلاتی است که بعد از آن برای او پیش می‌آید و البته این نیاز به ریشه‌یابی دارد. برخورد پلیس باید با بزهکارانی که تازه وارد کارهای خلاف و بزه شده‌اند با مجرمان سابقه دار و خشنی که برای جامعه خطرناک هستند، متفاوت باشد و طوری عمل کنند که بزهکاران به آنها اعتماد کنند و به زندگی عادی برگردند. مجرمان از همان ابتدا مجرم به‌دنیا نیامده‌اند و با توجه به شرایط زندگی، خانوادگی و نوع تربیت آنها و مشکلاتی که داشته‌اند، در این گروه قرار گرفته‌اند که لازم است با پژوهش‌های دقیق و علمی برای تربیت آنها و جلب اعتمادشان گام‌هایی برداشت تا در ۲۰ یا ۳۰ سال آینده جامعه بهتری داشته باشیم تا کمتر شاهد بروز جرائم خشن باشیم و البته مستلزم این است که قوه‌قضائیه، نیروی انتظامی، رسانه‌ها و ما روانشناس‌ها، جامعه شناسان روانپزشکان، معلمان و کسانی که مسئولیت تربیت را به عهده دارند، دست به دست هم بدهند و کمک کنند تا در آینده شاهد جامعه‌ای با مشکلات و معضلات کمتری باشیم.

*روانشناس

سارق گوشی وزیر ورزش:

گوشی وزیر را ۲۰۰ تومان فروختم!

سارق سابقه داری که تلفن همراه وزیر ورزش و جوانان را در مراسم تشییع پیکر نادر طالب‌زاده سرقت کرده‌بود، در بازجویی‌ها مدعی شد، گوشی وزیر را ۲۰۰ هزار تومان فروخته بود. مأموران پلیس پس از دستگیری مالخر موفق به کشف گوشی وزیر شدند.

به گزارش جوان، صبح روز یک‌شنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه پس از پایان مراسم تشییع مرحوم نادر طالب‌زاده، مجری و از برنامه سازان پیشکسوت سینما و تلویزیون به مأموران پلیس تهران خبر رسید گوشی تلفن همراه حمید سجادی، وزیر ورزش و جوانان در مسجد بلال صدا و سیما سرقت شده است. با اعلام این خبر تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی و دستگیری سارق وارد عمل شدند. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد سارق در شلوغی و ازدحام زیاد جمعیت موفق به سرقت تلفن همراه وزیر ورزش شده است.

در حالی که مأموران پلیس در بررسی‌های دوربین مداربسته برای شناسایی سارق گوشی وزیر به خاطر انبوه جمعیت حاضر در مراسم با مشکل روبه‌رو شده‌بودند، با شکایت‌های مشابه دیگری هم در خیابان‌های شمالی تهران مواجه شدند که بررسی‌ها همگی حکایت از آن داشت سارق به شیوه جیب‌بری و کیف قاپی در مراکز شلوغ مترو و مراسمات ترحیم افراد پولدار گوشی وکیف افراد حاضر در مراسم را سرقت می‌کند.

شناسایی سارق سابقه دار

بدین ترتیب مأموران پلیس فیلم تمامی دوربین‌های مداربسته محل حادثه را دقیق مورد بررسی قرار دادند و در تمامی فیلم‌ها تصویر مرد جوانی را به‌دست آوردند که با نزدیک شدن به طعمه‌هایش به طرز ماهرانه‌ای اقدام به جیب بری و سرقت موبایل می‌کرد. همچنین در بررسی‌های دوربین‌های مداربسته محل تشییع پیکر نادر طالب زاده مأموران پلیس مشاهده کردند همان مرد جوان در شلوغی مراسم خودش را به وزیر ورزش و جوانان نزدیک کرده و زمانی که محافظان وزیر در حال صحبت کردن با افراد دیگر بوده‌اند در فرصتی مناسب تلفن همراه وی را از داخل جیب کتش سرقت می‌کند و از مخل خارج می‌شود.

پس از به‌دست آمدن چهره متهم، مأموران پلیس آلبوم متهمان سابقه دار را بررسی کردند و دریافتند متهم سارق سابقه‌داری به نام پرویز است که قبل از این چند بار به اتهام سرقت و کیف قاپی دستگیر و روانه زندان شده است.

بدین ترتیب مأموران پلیس به مخفیگاه سارق سابقه‌دار رفتند و وی را دستگیر و از مخفیگاهش تعدادی رم و پنج گوشی تلفن همراه سرقتی کشف کردند که بررسی‌ها نشان داد تمامی گوشی‌ها در مراسمات و مکان‌های شلوغ به شیوه جیب بری سرقت شده است.

اعتراف به سرقت گوشی وزیر

متهم ۳۰ساله پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا مدعی شد که گوشی تلفن همراه را روی زمین پیدا کرده‌است، اما در بازجویی‌های فنی به سرقت‌های سریالی و سرقت تلفن همراه وزیر اعتراف کرد. او گفت: «چند سالی است که وارد جرگه خلافکاران شده‌ام و برای به‌دست آوردن پول از شهروندان سرقت می‌کنم. من در این مدت در جیب بری حرفه‌ای شده‌ام به طوری که هنگام سرقت طعمه‌ام اصلاً متوجه نمی‌شود، البته بعد از مدتی به دام مأموران گرفتار می‌شوم و تا الان هم شش‌بار به اتهام سرقت و جیب بری به زندان رفته‌ام و آخرین بار هم یکسال قبل از زندان آزاد شدم. پس از آزادی دوباره سرقت‌هایم را شروع کردم، اما این بار تصمیم گرفتم طعمه‌هایم را در مکان‌های شلوغ و مراسمات ترحیم انتخاب کنم. گاهی طعمه هایم را در مترو شکار می‌کردم، اما بیشتر به مراسمات تشییع جنازه و ترحیم افراد مشهور و پولدار می‌رفتم، چون می‌دانستم که در آن مراسمات افراد پولداری شرکت می‌کنند و من سرقت پر بارتری می‌توانم انجام دهم. در آنجا سعی می‌کردم طوری رفتار کنم که همگی فکر کنند من از بستگان مرحوم هستم و به این شیوه به افراد نزدیک می‌شدم و در فرصت مناسب جیب بری می‌کردم.»

وی ادامه: «وقتی متوجه شدم نادر طالب‌زاده فوت کرده است، تصمیم گرفتم در مراسم تشییع او شرکت کنم و دست به سرقت بزنم. چون مطمئن بودم افراد مشهور و پولداری در آن مراسم شرکت می‌کنند و از طرفی می‌دانستم به خاطر شخصیت مرحوم طالب‌زاده افراد زیادی در تشییع جنازه‌اش شرکت می‌کنند و من در آن شلوغی راحت‌تر می‌توانم جیب‌بری کنم. آن روز من مرد میانسالی را که کتک شلوار به تن داشت و چند محافظ هم او را همراهی می‌کردند به عنوان طعمه انتخاب کردم، اما خبر نداشتم که او وزیر ورزش و جوانان است. من در فرصتی مناسب به او نزدیک شدم و تلفن همراهش که جی ۵ بود سرقت کردم و بعد هم در شهرستان اسلامشهر به قیمت ۲۰۰هزار تومان فروختم.»

با اعتراف متهم، مأموران پلیس موفق شدند مالخر را شناسایی کنند و او را بازداشت و گوشی تلفن همراه وزیر را هم از وی کشف کرده و به او بازگردانند. تحقیقات بیشتر از متهم جریان دارد.

اعتراف به قتل کارگر میوه فروش

پسر جوانی که در جریان درگیری در یکی از پارک‌های شهر کارگر مغازه میوه فروشی را به قتل رسانده بود، محاکمه می‌شود.

به گزارش جوان، سال گذشته مأموران پلیس تهران از درگیری منجر به قتل در یکی از پارک‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. وقتی مأموران به محل حادثه رسیدند، شواهد اولیه نشان می‌داد درگیری بین چند پسر جوان اتفاق افتاده است و در آن درگیری یکی از آنها به نام داریوش بر اثر چند ضربه چاقو راهی بیمارستان شده است. همچنین مشخص شد ضارب ۲۸ساله به نام بهادر نیز از محل حادثه متواری شده است.

تلاش برای دستگیری بهادر ادامه داشت که خبر رسید داریوش بر اثر شدت خونریزی‌ها فوت کرده‌است.

به این ترتیب پرونده با موضوع قتل عمد به جریان افتاد و دوست مقتول به عنوان مطلع به مأموران گفت: «کارگر یک مغازه میوه فروشی بودم. آن روز سفارش میوه داشتیم و می‌خواستم چند کیلو میوه به آدرس مشتری ببرم. طی مسیر از پارکی که سر راهم بود، رد می‌شدم که چشمم به بهادر افتاد. او کنار دختر جوانی نشسته بود و داشتند با هم صحبت می‌کردند. بهادر وقتی مرا دید اعتراض کرد و مدعی بود به آنها نگاه چپ کرده‌ام. سپس یک سیلی به صورتم زد. حرفی نزدم و بعد از اینکه سفارش مشتری را تحویل دادم به مغازه رفتم و ماجرا را برای دیگر کارگران مغازه تعریف کردم. بعد همراه چند نفر از آنها به پارک رفتیم. وقتی بهادر ما را دید کار به درگیری کشید و در آن درگیری او با چاقو به داریوش چند ضربه زد و فرار کرد.»

بعد از این توضیحات، پسر جوان به اتهام قتل عمد تحت تعقیب قرار گرفت و دو ماه بعد از حادثه شناسایی و بازداشت شد. او در روند بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و در شرح ماجرا گفت: «روز حادثه با دختر مورد علاقه‌ام مهتاب در پارک قرار ملاقات داشتم. وقتی مهتاب رسید روی یک صندلی نشستیم و در حال صحبت بودیم که شاگرد مغازه میوه فروشی حوالی همان پارک از کنار ما رد شد و نگاه معناداری به مهتاب انداخت. به او اعتراض کردم، اما با تندی جوابم را داد این شد که عصبانی شدم و یک سیلی به او زدم. آن پسر جوان رفت، اما دقایقی بعد با چند نفر از کارگران مغازه به پارک آمد. آنها به من حمله کردند. سپس مقتول مقابل مهتاب فحاشی کرد. با این رفتار درگیری بالا گرفت و من به خاطر فحاشی مقتول عصبانی شدم و چند ضربه به او زدم.»

متهم در آخر گفت: «باور کنید قصد قتل نداشتم و بی‌هدف ضرباتی به او زدم، اما بعد از چند روز فهمیدم داریوش فوت کرده است. این شد که از ترس فرار کردم و خودم را پنهان کرده بود تا شناسایی نشوم، اما بی‌فایده بود و پلیس مرا دستگیر کرد. اشتباه کردم و به خاطر عصبانیت مرتکب قتل شدم. حالا درخواست گذشت دارم.»

متهم بعد از اقرار به قتل، صحنه جرم را بازسازی کرد و راهی زندان شد. پرونده در حال کامل شدن بود که پدر مقتول به دادسرا رفت و اعلام گذشت کرد، اما مادر مقتول درخواست قصاص کرد و گفت راضی به گذشت نیست.

به این ترتیب پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم بعد از تعیین شعبه در وقت رسیدگی مقابل هیئت قضایی شعبه دهم از خودش دفاع خواهد کرد.

آدم ربایی در تهران پس از قتل در غرب کشور

مرد شرور پس از قتل در یکی از شهرهای غربی کشور به تهران گریخت و این بار دست به آدم‌ربایی زد که از سوی پلیس تحت تعقیب قرار دارد.

به گزارش جوان، چندی قبل زن جوانی وحشت زده به اداره پلیس رفت و از راننده خودروی سواری به اتهام آزار و اذیت و سرقت اموالش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «ساعتی قبل برای خرید از خانه‌مان بیرون آمدم و به بازار رفتم. پس از خرید کنار خیابان منتظر تاکسی بودم که خودروی پژوی سواری جلوی پایم توقف کرد. مرد جوانی راننده آن بود و من هم به خیال اینکه او مسافرکش است، مسیرم را گفتم و سوار خودرواش شدم.

راننده پس از طی مسافتی به بهانه ترافیک مسیرش را تغییر داد و وارد خیابان خلوتی شد و من هم به او اعتراض کردم، اما راننده از زیر صندلی‌اش چاقویی بیرون آورد و مرا تهدید به قتل کرد. در حالی که خیلی ترسیده بودم تصمیم گرفتم در خودرو را باز کنم و در حال حرکت خودم را از خودرو به داخل خیابان بیندازم، اما در خودرو از داخل باز نمی‌شد و تازه فهمیدم در دام مجرم خطرناکی گرفتار شده‌ام.

به‌هرحال راننده شیطان صفت مرا به خیابان خلوتی در اطراف تهران برد و پس از آزار و اذیت، کیفم را که کارت‌های عابرم، تلفن همراهم و پول‌هایم داخل آن بود به زور گرفت و مرا از داخل خودرو به پایین انداخت و فرار کرد. الان به اداره پلیس آمدم تا از مرد جوان ناشناس به اتهام آدم ربایی، آزار و اذیت و سرقت اموالم شکایت کنم.»

با شکایت زن جوان پرونده به دستور قاضی تقویان، بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی و شناسایی متهم در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

کلاهبرداری از دوستان شاکی

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، شاکی دوباره به اداره پلیس رفت و گفت متهم با فرستادن پیامک به گوشی دوستان و بستگانش از آنها درخواست پول کرده و به این شیوه از آنها کلاهبرداری کرده است.

وی گفت: «حادثه روز تعطیلی رخ داد و ساعتی بعد من متوجه شدم، متهم همه پول‌های داخل کارت عابرم را برداشت کرد، اما فکر نمی‌کردم او از طریق شماره تلفن من به دوستانم پیام بدهد و به بهانه قرض گرفتن پول از آنها کلاهبرداری کند. آن روز به خاطر تعطیلی من نتوانستم کارت عابرم و سیمکارتم را مسدود کنم که مرد شیطان صفت برای تعدادی از دوستان و بستگانم پیام‌های نوشتاری و با استفاده از برنامه تغییر صدا، پیام‌های صوتی فرستاده ودرخواست پول کرده بود. دوستان و بستگانم وقتی پیام‌های ارسالی را خوانده بودند که نوشته بود من در بیمارستان هستم و نیاز به پول دارم به شماره کارت ارسالی پول واریز کرده بودند. تعدادی از دوستانم امروز به من پیام دادند که بدهی‌ام را به آنها پرداخت کنم و من تازه متوجه شدم مرد آدم ربا به این شیوه از تعداد زیادی از دوستان و بستگانم کلاهبرداری کرده است.»

قاتل فراری

با به‌دست آمدن این اطلاعات مأموران تحقیقات تخصصی خود را برای شناسایی متهم ادامه دادند تا اینکه با بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه موفق به شناسایی مرد شیطان صفت شدند. بررسی‌های مأموران نشان داد متهم فرشاد نام دارد. همچنین مشخص شد وی در سال ۹۶ در درگیری در یکی از شهرهای غربی کشور مرتکب قتل شده است و به اتهام مباشرت در قتل تحت تعقیب کارآگاهان مبارزه با قتل شهرستان محل حادثه قرار دارد. بدین ترتیب مأموران برای دستگیری متهم به مخفیگاه وی رفتند، اما دریافتند وی پس از حادثه آدم‌ربایی و تعرض به زن جوان به مکان نامعلومی گریخته است. تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه دارد.

بازداشت عاملان شرارت در بزرگراه سعیدی

مردان شرور که در جریان درگیری در بزرگراه شهید سعیدی سه نفر را به ضرب قمه مجروح کرده بودند، بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرگرد محمد زیدی، معاون اجتماعی پلیس امنیت پایتخت گفت: چندی قبل به مأموران پایگاه دهم پلیس امنیت خبر رسید مردان قمه به دست با ایجاد درگیری در بزرگراه شهید سعیدی چند نفر را مجروح و روانه بیمارستان کرده‌اند.

مأموران پلیس بعد از حضور در محل متوجه شدند که سه مرد شرور لحظاتی قبل از حضور پلیس از محل متواری شده‌اند.

مأموران در جریان تحقیقات میدانی و بررسی دوربین‌های مداربسته مخفیگاه متهمان را در جنوب غرب تهران شناسایی و آنها را بازداشت کردند. بررسی سوابق متهمان نشان داد که هر سه از مجرمان سابقه‌دار هستند. متهمان در بازجویی‌ها به قدرت‌نمایی و ضرب و جرح اعتراف کرده و گفتند به خاطر خصومت شخصی دست به این کار زده بودند که به همراه پرونده راهی دادسرا شدند.

سرقت موتور پیک‌های غذا

سارق حرفه‌ای که موتورسیکلت پیک‌های غذا را سرقت می‌کرد، سرانجام به دام پلیس افتاد.

به گزارش جوان، چند روز قبل شکایت‌های مشابهی درباره سرقت موتورسیکلت پیک‌های غذا در شمال تهران به مأموران پلیس گزارش شد. شاکیان به پلیس گفته بودند، وقتی برای گرفتن سفارش وارد رستوران شده بودند، موتورسیکلت‌شان سرقت شده‌است. در حالی که هر روز بر تعداد شکایت‌های مطرح شده اضافه می‌شد، مأموران پلیس با بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند، چهره سارق را شناسایی کنند. در شاخه دیگری از تحقیقات مأموران پلیس هنگام گشت‌زنی در خیابان باهنر سارق را در حال سرقت یک موتورسیکلت مقابل یکی از رستوران‌ها شناسایی کرده و برای بازداشت وی وارد عمل شدند. مرد سارق که از حضور پلیس با خبر شده بود، سوار بر موتور از محل متواری شد، اما مأموران موفق شدند در جریان تعقیب و گریز او را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی به این شیوه اعتراف کرد. تحقیقات از متهم به دستور بازپرس جریان دارد.

تصادف مرگبار سارق هنگام فرار

سارقان موتورسوار پس از سرقت گوشی تلفن همراه راننده خودروی ال‌نود در حال فرار بودند که با یک سواری پراید تصادف کرد و یکی از آنها به کام مرگ رفت.

به گزارش جوان، روز شنبه ۳۰اردیبهشت‌ماه مأموران پلیس از حادثه رانندگی در خیابان تیموری در منطقه ستارخان با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد راکب و ترک‌نشین موتورسیکلت در جریان تصادف با خودروی سواری پراید دچار حادثه شده‌اند که به بیمارستان منتقل شدند.

ساعتی بعد از بیمارستان خبر رسید راکب موتورسیکلت به علت شدت جراحت جانش را از دست داده است. در جریان تحقیقات بیشتر معلوم شد که راکب و ترک نشین موتورسیکلت هر دو سارق بودند و لحظاتی قبل از حادثه گوشی تلفن همراه راننده خودروی ال‌نود را سرقت کرده و در حال فرار بودند که دچار حادثه شدند.

بعد از آن بود که مأموران در بازرسی لوازم موتورسواران پنج گوشی تلفن همراه سرقتی کشف کردند. راننده خودروی ال‌نود به پلیس گفت: لحظاتی قبل از سرقت با خودرو در حال عبور بودم و داشتم با گوشی تلفن همراهم حرف می‌زدم که ترک نشین یک موتور گوشی‌ام را سرقت کرد. من هم با خودرو در حال تعقیب آنها بودم که با یک پراید عبوری تصادف کردند و متوقف شدند. به دستور بازپرس جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره جریان دارد.

تصادف آتشین تانکرهای حامل سوخت

تصادف سه تانکر حامل سوخت در بزرگراه جهرم به لار حادثه آتشین را رقم زد.

به گزارش فارس، خلیل عبداللهی مدیر کل مدیریت بحران استانداری فارس گفت: ساعت ۱۰ صبح روز گذشته تصادف سه تانکر حامل سوخت حوالی مجتمع رفاهی بزرگراه جهرم منجر به آتش‌سوزی سه خودرو شد که دیوار حفاظتی برای جلوگیری از آسیب به خودروهای در حال تردد ایجاد شد.

وی با بیان اینکه تلاش امدادگران برای اطفای حریق به جریان افتاد از مصدومیت چهار نفر در این باره خبر داد. علت حادثه در دست بررسی است.

نجات کارگر از چاه ۱۵ متری

کارگری که به قعر چاه ۱۵ متری سقوط کرده بود با تلاش امدادگران نجات پیدا کرد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۱:۴۵ روز گذشته به آتش‌نشانان ایستگاه ۸۰ خبر رسید در پروژه‌های در حال ساخت بزرگراه اردستانی مردی به داخل چاه ۱۵ متری سقوط کرده است.

محمود عبداللهی رئیس ایستگاه ۸۰ گفت: وقتی در محل حاضر و متوجه شدیم کارگران در حال حفاری چاه بودند که ناگهان یکی از آنها به داخل چاه سقوط کرده و به شدت دچار آسیب شده بود. امدادگران بعد از ایمن‌سازی محل خود را به قعر چاه رسانده و کارگر را که دچار مصدومیت شده بود، به بیرون منتقل کرده و تحویل عوامل اورژانس حاضر در محل دادند.

مرگ راننده پژو در تصادف با شتر

تصادف خودروی پژو پارس با شتر در شهرستان سیریک مرگ راننده را به همراه داشت.

حادثه رانندگی شامگاه شنبه در محور سیریک میناب حد فاصل شهر بندر گروگ تا روستای بنداران در استان هرمزگان اتفاق افتاد.

سید علی ارجمند، رئیس راهداری شهرستان سیریک گفت که در جریان تصادف پژو پارس با شتر، راننده خودرو به علت شدت جراحت فوت شد.

وی گفت: افزایش شترهای سرگردان در این محورها منجر به بروز سوانح رانندگی می‌شود.

مفقودی

برگ سبز و کارت خودروی بارکش (جرثقیل) نیسان مدل ۱۳۸۳ رنگ آبی روغنی شماره پلاک (ایران ۶۸-۶۵۳هـ۸۸) به شماره موتور ۲۴۷۰۳۱ شماره شاسی ۴۱۱۲۹ متعلق به حسین محمدیان مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز و کارت خودروی سواری ساینا مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۸۷-۸۵۹ط۴۲) به شماره موتور M۱۵/۹۴۶۹۷۲۱ شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰M۵۷۷۶۱۹۳ متعلق به نقدعلی شعبانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز